

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

کتاب «مهربان ترین آقای دنیا»

اسناد و مدارک اصل داستان ص ۴۲

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ الرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى ع لَمَّا جَعَلَهُ الْمَأْمُونُ وَلِيَّ عَهْدِهِ احْتَبَسَ الْمَطَرُ فَجَعَلَ بَعْضُ حَاشِيَةِ الْمَأْمُونِ وَ الْمُتَعَصِّبِينَ عَلَى الرِّضَا يَقُولُونَ أَنْظِرُوا لَمَّا جَاءَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ع وَ صَارَ وَلِيَّ عَهْدِنَا فَحَبَسَ اللَّهُ عَنَّا الْمَطَرُ وَ اتَّصَلَ ذَلِكَ بِالْمَأْمُونِ فَاشْتَدَّ عَلَيْهِ فَقَالَ لِلرِّضَا ع قَدْ احْتَبَسَ الْمَطَرُ فَلَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُمَطِّرَ النَّاسَ فَقَالَ الرِّضَا ع نَعَمْ قَالَ فَمَتَى تَفْعَلُ ذَلِكَ وَ كَانَ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَالَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَانِي الْبَارِحَةَ فِي مَنَامِي وَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع وَ قَالَ يَا بَنِيَّ أَنْتَظِرْ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَأَبْرِزْ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَ اسْتَسْقِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَسْقِيهِمْ وَ أَخْبَرَهُمْ بِمَا يُرِيكَ اللَّهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْ حَالِهِمْ لِيَزِدَّادَ عِلْمِهِمْ بِفَضْلِكَ وَ مَكَانِكَ مِنْ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ غَدَا إِلَى الصَّحْرَاءِ وَ خَرَجَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ فَصَعِدَ الْمَنِيرُ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ وَ أَمَلُوا فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ تَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَ نِعْمَتَكَ فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا غَيْرَ رَائِثٍ وَ لَا ضَائِرٍ وَ لِيَكُنْ ابْتِدَاءُ مَطَرِهِمْ بَعْدَ انْصِرَافِهِمْ مِنْ مَشْهَدِهِمْ هَذَا إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَ مَقَارِهِمْ قَالَ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ نَسَجْتَ الرِّيحَ فِي الْهَوَاءِ الْغُيُومَ وَ أَرَدْتَ وَ أَبْرَقْتَ وَ تَحَرَّكَ النَّاسُ كَأَنَّهُمْ يُرِيدُونَ التَّنَجِّيَ عَنِ الْمَطَرِ فَقَالَ الرِّضَا ع عَلَى رِسَالِكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ فَلَيْسَ هَذَا الْغَيْمُ لَكُمْ إِنَّمَا هُوَ لِأَهْلِ بَلَدٍ كَذَا فَمَضَتِ السَّحَابَةُ وَ عَبَرَتْ ثُمَّ جَاءَتْ سَحَابَةٌ أُخْرَى تَشْتَمِلُ عَلَى رَعْدٍ وَ بَرَقٍ فَتَحَرَّكُوا فَقَالَ عَلَى رِسَالِكُمْ فَمَا هَذِهِ لَكُمْ إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدٍ كَذَا فَمَا زَالَتْ حَتَّى جَاءَتْ عَشْرُ سَحَابَةٍ وَ عَبَرَتْ وَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ عَلَى رِسَالِكُمْ لَيْسَتْ هَذِهِ لَكُمْ إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدٍ كَذَا ثُمَّ أَقْبَلَتْ سَحَابَةٌ حَادِيَةٌ عَشْرَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ هَذِهِ سَحَابَةٌ بَعَثَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ فَاشْكُرُوا اللَّهَ عَلَى تَفَضُّلِهِ عَلَيْكُمْ وَ قَوْمُوا إِلَى مَقَارِكُمْ وَ مَنَازِلِكُمْ فَإِنَّهَا مَسَامَةٌ [مُسَامِتَةٌ] لَكُمْ وَ لِرُءُوسِكُمْ مُمَسِّكَةٌ عَنْكُمْ إِلَى أَنْ تَدْخُلُوا إِلَى مَقَارِكُمْ ثُمَّ يَأْتِيكُمْ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَ جَلَالِهِ وَ نَزَلَ عَلَى [مِنْ] الْمَنِيرِ وَ انْصَرَفَ النَّاسُ فَمَا زَالَتْ السَّحَابَةُ مُمَسِّكَةً إِلَى أَنْ قَرَّبُوا مِنْ مَنَازِلِهِمْ ثُمَّ جَاءَتْ بِوَابِلِ الْمَطَرِ فَمِلَتْ الْأَوْدِيَةُ وَ الْحِيَاضُ وَ الْغُدْرَانُ وَ الْفُلُواتُ فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ هَنِيئًا لَوْلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ص كَرَامَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

از حضرت عسکری حسن بن علی از پدر بزرگوارش علی بن محمد از پدر بزرگوارش محمد بن علی مروی است که فرمود چون مأمون حضرت رضا (ع) را ولیعهد خود قرار داد باران آسمان حبس شد پس از این جهت بعضی حاشیه نشینان مجلس مأمون و دشمنان حضرت رضا (ع) میگفتند که نظر کنید به بینید که چون علی بن موسی (ع) آمد و ولیعهد ما شد خدا باران را از ما حبس کرد و این خبر بمأمون رسید و بر او گران آمد بحضرت رضا (ع) عرض کرد که باران از آسمان باز ایستاده است خدا را میخوانی و دعا میکنی که باران بباراند بر مردم حضرت رضا (ع) فرمود بلی عرض کرد چه زمان این عمل را انجام

دهی و در آن وقت روز جمعه بود حضرت فرمود در روز دو شنبه چه رسول خدا (ص) در شب گذشته بخواب من آمد و امیر المؤمنین (ع) با او بود فرمود ای پسر من صبر کن تا روز دو شنبه و در آن روز با مردم بصحرا بشتابید و طلب باران کن بدرستی که حق تعالی باران بایشان عطا کند و مردم را خبر بده بآنچه حق تعالی بتو بنمایاند و مردم از حال خود آگاه نباشند تا اینکه علم مردم بفضل و مکان تو در نزد پروردگار تو زیاد شود پس چون که روز دوشنبه در آمد آن جناب در صبح آن روز روی بصحرا نهاد و خلایق بیرون آمدند و نظر میکردند آن جناب بر فراز منبر برآمد و حمد و ثنای الهی بجای آورد پس از آن گفت ای پروردگار من تو عظیم قرار دادی حق ما اهل بیت را و مردم بما متوسل شدند چنان که تو امر فرموده و آرزو دارند فضل و رحمت ترا و توقع دارند احسان و نعمت ترا پس سیراب کن ایشان را بارانی نافع که عموم داشته باشد یعنی در همه امکنه نازل شود بدون درنگ یعنی بکمال استعجال و بدون ضرر باشد و باید ابتداء باران بعد از مراجعت کردن ایشان باشد از محلی که حاضرند بمنزلها و مقرهای خود راوی گوید بحق آن کسی که محمد را براستی و درستی پیغمبری مبعوث گردانید که بیک مرتبه بادهای مختلفه وزیدن گرفت در هوای بی آب و تشنه و رعد و برق جستن کرد و مردم بیکدیگر برآمدند گویا میخواستند از باران فرار کنند حضرت رضا (ع) فرمود ایها الناس بر رفق و مدارات باشید و در مکان خود آسوده باشید که این ابراز برای شما نیست و جز این نیست ابراز برای اهل فلان شهر است و آن ابر بگذشت و عبور کرد پس از آن ابر دیگر آمد با رعد و برق مردم بهم برآمدند حضرت فرمود بر رفق و آسودگی باشید این ابراز برای شما نیست و جز این نیست که این ابراز برای اهل فلان شهر است و همچنین پیوسته ابر آمد تا اینکه ده ابر عبور کرد و آن بزرگوار علی بن موسی الرضا (ع) هر مرتبه میفرمود بر رفق و آسودگی باشید این ابراز برای شما نیست که این ابر از برای اهل فلان شهر است پس از آن ابر یازدهم پدیدار شد آن بزرگوار فرمود ایها الناس این ابر را خداوند از برای شما فرستاده است شکر کنید خدا را بر تفضل او بر شما و بروید در منزلها و مساکن خود که این ابر در سمت الرأس شما واقع شود و بالای سرهای شما بایستد و باران خود را از شما نگاهدارد تا اینکه داخل شوید در منازل خود پس خیر و خوبی بر شما فرود آید بقدری که لایق کرم و جلال خدا است و آن جناب از منبر فرود آمد و مردم مراجعت کردند پس از آن ابر باران خود را نگاهداشت تا اینکه مردم نزدیک شدند بخانه های خود پس از آن باران بسختی آمد که رودها و حوضها و گودالها و صحراهای آنها پر از آب شد پس از آن مردم میگفتند گوارا باد از برای فرزند رسول خدا کرامتهای خداوند.